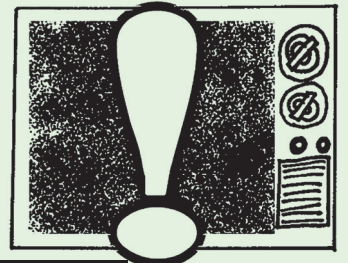


تا کسی...

شکل: گر خندید

رادیکال باشی

گزینه مناسب را عشق است



سردبیر اضافی

همراه با سیما

فیلم در مورد نوجوانی بود که خجالت می کشید نماز بخواند. در همین حین صدا و سیما به صورت زیرنویس اعلام کرد - اذان ظهر به افق تهران - فیلم همچنان پخش می شد ... فیلمی در مورد نماز!

جالب این که بلافاصله بعد از فیلم مجری جلوی دوربین قرار می گیرد و می گوید: به امید قبولی طاعات و عبادات شما! آخر مرد حسابی شما فرصت دادید ما تکان بخوریم چه برسد به طاعات و عبادات.

هزار مرتبه شکر که با درایت و ابتکار جالب سیمای ملی مشکل کتابخوانی و فرهنگ مطالعه اصولی حل شد و همین روزهاست که ناشرین و کتابفروش ها از پاسخگویی به درخواست و احتیاج خیل کتابخوان ها عاجز بمانند و مسئولان بلند پایه مجبور شوند کتاب را سهمیه بندی کنند - چیزی در مایه های کارت سوخت یا کوپن - تا بتوانند با کمبود آن مقابله نمایند.

بله همه شما هم دیده اید که هر چند ساعت یکبار در شروع آگهی های بازرگانی گوشه تصویر حک می شود «کتاب یار مهربان» بعد آگهی های پفک، چیپس، روغن و تاید و برنج پخش می شود تا یک وقت شما به کتابخوانی نیفتید.

فصل، فصل زمستان است و ما هم به کمبود سوژه دچار شده ایم، یک سری پرسش و پاسخ در نظر گرفته ایم که به سمع و بصرتان می رسانیم! سؤالات تماماً خارج از منابع طرح شده و جای هرگونه اعتراضی خالیست! ۱. اگر شما در یک روز زمستانی که تیپ زده اید و برای خودتان راست راست توی خیابان می گردید، با عبور یک عدد (!) اتومبیل از چاله پر از آب کنار خیابان خیس شدید، جای خالی را پر کنید! این هم جای خالی.....! الف - جای خالی بخوره تو سر من! اصلاً چرا راست راست توی خیابون می گشتی؟! ب - بر پدر و مادر کسی که در این مکان آشغال بریزد!

ج - هوا بس ناجوانمردانه سرد است! د - آقای راننده، قربان مرامت! ما را که کل یوم خیس کردی!

۲. وقتی سه ربع ساعت گوشه خیابان ایستادید و ماشین گیرتان نیامد، نتیجه اخلاقی اش این است که ...

الف - اوه اوه... چقدر هوا سرده ها! ب - شادی روح تازه یخ زده، فوت کنید! ج - همچنان بر پدر و مادر کسی که اینجا آشغال بریزد! (زبان را گاز بگیر!)

د - اصلاً هم هیچ تاکسی ای در این هوا دنبال درستی نیست. برای قشر زحمت کش تاکسی دار ها حرف درنیاورد.

۳. شما دارید راه خودتان را می روید که یکهو چهار چرختان می رود هوا و با کت

و کمر می آید روی کف پیاده رو! چه احساسی دارید؟! الف - مثل تموم عالم حال منم خرابه!

ب - چرا هستی ناراحت؟! ج - اژدها وارد می شود!

د - هیچکدام. (اما اگر می شود، بر پدر و مادر کسی که دیشب کف پیاده رو آشغال ریخته، لعنت!) ۴. شما عجله دارید و با سرعت از پیاده رو عبور می فرمایید که از زیر یک ناودان می گذرید و سر تا پانتان... آره دیگه! در این لحظه اگر یک جمله کوتاه مترنم شوید(خنده... آلود)، آن جمله کدام گزینه است؟! الف - ...

ب - ... ج - ... د - ...

ه - اگر بگوییم بر پدر و مادر کسی که ناودان را اینجا تعبیه کرده و همزمان اینجا آشغال ریخته ... نمی گوید نویسنده به تکرار افتاده؟! ۵. همچنان سه ربع ساعت است که شما گوشه خیابان منتظر تاکسی هستید. در همین لحظه دو نفر انسان غیر معلوم الحال دارند به همدیگر گلوله برف شلیک می کنند! البته این مال قدیمیهاست که برف با ما قهر نکرده بود) که از قضا یکی از آن گلوله برفی های آبیکی، یک راست می خورد پای چشم شما. لطفا نظراتان را درباره این لحظه شاعرانه بفرمایید!

الف - ... ج - ... د - ...

ه - اگر بگوییم بر پدر و مادر کسی که ناودان را اینجا تعبیه کرده و همزمان اینجا آشغال ریخته ... نمی گوید نویسنده به تکرار افتاده؟! ۵. همچنان سه ربع ساعت است که شما گوشه خیابان منتظر تاکسی هستید. در همین لحظه دو نفر انسان غیر معلوم الحال دارند به همدیگر گلوله برف شلیک می کنند! البته این مال قدیمیهاست که برف با ما قهر نکرده بود) که از قضا یکی از آن گلوله برفی های آبیکی، یک راست می خورد پای چشم شما. لطفا نظراتان را درباره این لحظه شاعرانه بفرمایید!

الف - در این لحظه کلاً یخ زده ام و هیچ حسی ندارم، چه برسد به نظر!

ب - بنده کوچکتر از آن هستم که نظری بدهم!

ج - خدا پدر و مادر ضارب را قرین رحمت کند!

د - ... و دیگر هیچ!

ه - اثر احساس شاعرانه را کیف کردید؟! ۶. شما دو تا پولیور، با یک کاپشن و ۲ تا شلوار و ۳ تا جوراب زمستانی به انضمام کلاه و شال گردن و دستکش و یک سری ادوات دیگر! پوشیده اید. در این لحظه عکس یک بابایی را توی روزنامه می بینید که یخ های دریاچه ای را شکسته و داخل آب شنا می کند! لطفاً حالتان چطور است؟! الف - حال بنده خوب است، حال ایشان چطور؟! ۷. حال بنده خراب است آقا! اما احتمالاً

حال ایشان خیلی بدتر است! ج - احساس خود کمتر شهرت داشتن بینی، عجب درد بی درمانی ست!

د - گزینه الف و الباقی گزینه ها!

۷. بخاری منزل تا آخر شعله کشیده و کم مانده منفجر شود. اما منزل گرم نمی شود. این یعنی چه؟! الف - خدا بیمارزد معماری اصولی خانه را!

ب - پنجره دو جداره کیلو چند؟! ج - گازهای این روزگار [لاجون] شده اند.

د - عایق حرارتی را تعریف کنید!

و - بر پدر و مادر کسی که در این مکان آشغال بریزد!

الف - خدا بیمارزد معماری اصولی خانه را!

ب - پنجره دو جداره کیلو چند؟! ج - گازهای این روزگار [لاجون] شده اند.

د - عایق حرارتی را تعریف کنید!

و - بر پدر و مادر کسی که در این مکان آشغال بریزد!